

شناخت آلات موسیقی اصیل افغانستان

بخش چهارم

موسیقی با رگ و پود هستی آمیزش یافته و هرگز نمی‌توان آن را از جسم و جان موجودات عالم بویژه انسان جدا کرد. نغمه آبشاران، نجوهای پنهان و آشکار طبیعت، نوای دلنشین پرندگان و آواز مستانه ساز نوازندگان در ژرفای دل آدم نفوذ می‌کنند و به انسان شور، تپش، انرژی اسرارآمیز حیات و دل‌زندگی جاودانه می‌بخشند. کسانی‌که موسیقی را درک و احساس کرده نمی‌توانند صخره‌سنگ‌هایی را مانند که از ظرافت‌ها و نازکی‌های عاطفه و احساس زندگان بی‌بهره اند. افراطیون کوردل و ظالم هرچند تلاش می‌ورزند تا موسیقی را از فرهنگ و مدنیت ما دور کنند؛ اما هرگز موفق نمی‌شوند؛ زیرا انسان به دون احساس، عاطفه و ذوق هنری جسم مرده و بری از تپندگی و تر و تازگی خواهد بود.

در خراسان زمین (افغانستان کنونی) موسیقی با تاریخ، فرهنگ و تمدن ما چونان آمیزش یافته که به روح زنده، بالنده و مستانه زندگی تبدیل شده و در تمام عرصه‌های حیات نفوذ کرده است. در درازنای تاریخ در این قلمرو کهن آلات موسیقی بسیار متنوعی ساخته شده است که استادان فن آن‌ها را در بزم‌های شاهانه، حلقه‌های عارفانه و مجالس مردمی می‌نواختند. در سده‌های اخیر خاصه در قرن جاری به سبب فرهنگ سنیزی، تعصب و نا آگاهی حاکمان وقت بسیاری از ارزش‌های فرهنگی، تمدنی و هنری ما در لابلای گرد و غبار فراموشی دفن شده و یا همسایگان ما آن‌ها را در لیست میراث تاریخی، فرهنگی و هنری خویش ثبت کرده اند.

افغانستان کنونی به مثابه قلب مرکزی خراسان بزرگ در درازنای تاریخ همواره خاستگاه و پرورشگاه موسیقی و ساخت آلات موسیقی بوده است؛ اما در معرفی آن پژوهشگران و قلمبستان ما کار لازم علمی و تحقیقاتی نکرده اند. با درک این ضعف و خالیگاه با وجود مصروفیت‌های مطالعاتی، پژوهشی و فرهنگی‌ام، تلاش ورزیدم تا در معرفی آلات موسیقی اصیل این قلمرو گامی ابتدایی بردارم تا سپس اشخاص مسلکی و کارشناسان موسیقی کشور آن را به مرحله کمال برسانند. پیش از همه از کم و کاستی‌های این نبشته پوزش می‌خواهم. در زیر آلات موسیقی معرفی شده است.

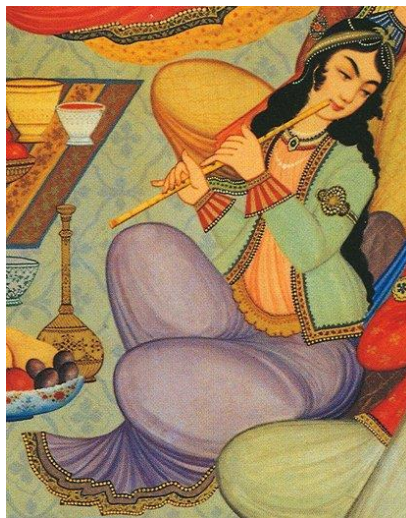
نی

نی یک آله موسیقی بادی است که در سراسر افغانستان رایج است؛ بویژه چوپانان و گاوچرانان حینی که گله‌ها را به چراگاه می‌برند برای مشغولیت خود آن را می‌نوازند و از همین سبب است که نی را در افغانستان نی چوپانی هم می‌گویند. نی همان طوری که از نامش پیداست از خود نی به اندازه‌های مختلف ساخته می‌شود. مقام نی چنان بالا است که مولاجلال‌الدین بلخی در آغاز مثنوی خود بانگ آن را آتشین ساخته است. تاکنون مردم ما به آواز نی علاقه وافری دارند. نی‌نوازان زیادی در گوشه و کنار کشور وجود دارند؛ اما از نگاه علمی و تاریخی در این مورد کار اساسی نشده است. متأسفانه اکنون جای نوازندگان نی در اکسترهای موسیقی افغانستان خالی است.



توله

توله یک آله موسیقی بادی است که در دو نوع مختلف ساخته می‌شود؛ یکی نوع برنجی و دیگری نوع چوبی که از چوب درخت زیتون ساخته می‌شود و طول آن « 46 سانتی متر است. این آله موسیقی دارای 7 سوراخ بوده و در تمام نقاط افغانستان مورد استفاده قرار می‌گیرد. نوازندگان معروف توله در پنجاه سال اخیر شیر محمد، لاله امان و بابہ صمد هستند.



دونلی یا دونی

سازی است متشکل از دو نی که همزمان با هم به صدا می‌آیند. دونلی از سازهای محلی حوزه سیستان و نیمروز کهن است. این ساز شامل دو نی است که نوازنده هنگام نواختن هر دو نی را در دهان خود قرار داده و نی مونث را اندکی پایینتر از نی مذکر قرار می‌دهد. تنها شش سوراخ نی مذکر از محل دمیدن مورد استفاده قرار می‌گیرند. نی مونث وظیفه واخوان را به عهده دارد. سه سوراخ صوتی آن از محل دمیدن ساز گاهی نواخته می‌شوند. این آله موسیقی در گذشته در ولایات فراه و نیمروز رایج بود که در حال حاضر نیز نوازندگان آن در ولایات مذکور موجود می‌باشند.



سورنا (سورنای)

یک آله موسیقی بادی و مشابه به شهنایی هندی است که از چوب شیشم ساخته می‌شود. طول سرنای حدود 40 سانتی متر است و زبانچه ای دارد که از نی ساخته می‌شود. سرنای دارای 7 سوراخ است و یگانه آله موسیقی باستانی است که در سراسر افغانستان فقط توسط هنرمندان حرفه‌ای نواخته می‌شود. در دوران گذشته سرنا نوازان معروفی در افغانستان وجود داشتند. در تمام دهکده‌های هرات سرنا نوازی رایج بود و آن را به نام سازِ دهل یاد می‌کردند؛ یعنی این ساز به همراه دهل نواخته می‌شد. در هرات استادان توانایی بودند که این ساز را خوب می‌نواختند. آن‌ها را به اسم استا (که در واقع همان استاد است)، می‌شناختند.

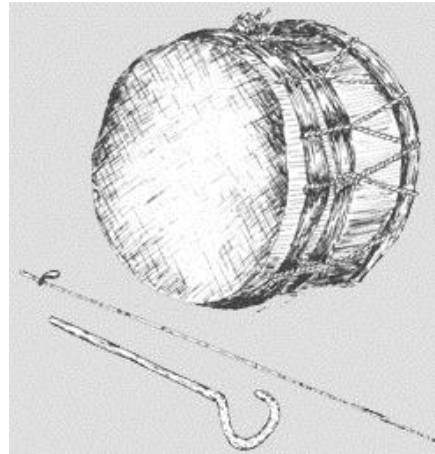


دهل

دهل آله موسیقی ضربی بوده که از چوب شیشم ساخته می‌شود. هر دو انجام آن با پوست بز یا پوست آهو پوشانیده شده، با انگشتان دو دست در دو طرف آن نواخته می‌شود. طول یک دهل عادی 42 سانتی متر می‌باشد. قطر کاتی(سرکوچک دهل) 20 سانتی متر و قطر بم(سربزرگ دهل) 20 سانتی متر است. دهل کلان را با چوب در هر دو طرف آن می‌نوازند و این آله موسیقی بیشتر در جنوب و شرق افغانستان مورد استفاده هنرمندان قرار می‌گیرد.

همچنان نواختن دهل در مناطق شمال و غرب افغانستان(خراسان قدیم) از روزگاران کهن رواج داشته است؛ در قرن جاری نیز در هرات دهل نوازان خوبی موجود بودند که دهل را با سرنا خوب می‌نواختند. از ساز و دهل در عروسی‌ها، ختنه‌سوری‌ها و مجالس شادی همواره استفاده می‌شد و بپای ساز و دهل خوب می‌رقصیدند و پایکوبی می‌کردند.





زیر بغلی

یک آله موسیقی ضربی است مشابه تنبک که معمولاً از گل (سفال) ساخته می‌شود. سر کوچک زیر بغلی باز است و سر بزرگ آن با پوست بز یا پوست آهو پوشانیده می‌شود. این وسیله را با هر دو دست می‌نوازند. هنگام نواختن آن را به روی زانو و زیر بغل قرار می‌دهند. شاید به همین سبب آن را زیر بغلی نامیده اند. زیر بغلی عادی 62 سانتی متر طول داشته و قطر سر بزرگ آن 19 سانتی متر است. این آله موسیقی محلی از چوب شیشم نیز ساخته می‌شود و بیشتر در صفحات شمال و غرب افغانستان مورد استفاده قرار می‌گیرد. در هرات زیر بغلی را با دوتار بسی خوش می‌نوازند. در ایران تنبک که مشابه زیر بغلی است رواج افزون دارد. در عکس زیر بغلی و تنبک نشان داده شده است.



دایره

دایره، یکی از سازهای کوبه‌ای است. این ساز، شبیه دف است و تفاوت این دو در آن است که دف، معمولاً دارای زنجیرهای کوچکی است که به دیواره چوبین آن نصب شده است. همچنین دایره از دف کوچکتر است. این خصوصیات صدای این دو را متفاوت می‌کند. دایره در ایران، افغانستان، آذربایجان، ازبکستان، تاجیکستان و نواحی اویغورنشین چین رواج دارد.

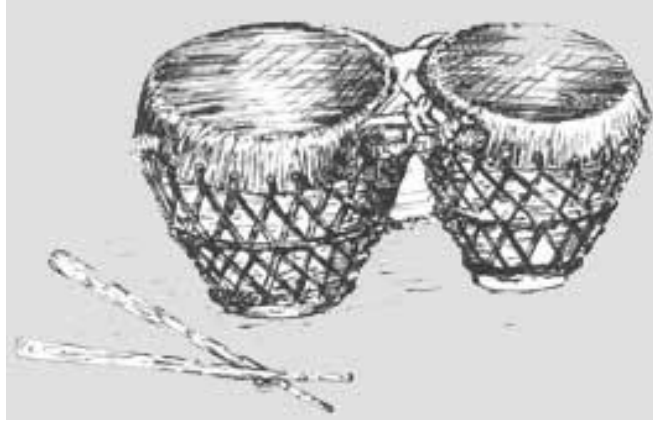
در گذشته در کشور ما از دایره در مجالس زنانه استفاده زیادی می‌شد و به پای آن زنان و دخترکان رقص‌های محلی و عنعنوی خود را اجرا می‌کردند. دیره‌دستان برخی از ولایات بسی مشهور بودند. در سالیان اخیر با ورود سازهای خارجی و تکنولوژی ضبط و پخش آسان موسیقی استفاده از دایره و دیگر سازهای کلاسیک کمتر شده است. طالبان و افراطیون مذهبی ضربات سختی به موسیقی و روح نازک و لطیف عواطف و احساسات انسانی وارد کرده اند.



نقاره

از گل ساخته شده و مانند طبله متشکل از دو تکه است که به نام‌های (بم) و (زیر) یاد می‌شود. بخش زیر آن با پوست شتر و بخش بم آن با پوست گاو پوشانیده می‌شود. نقاره را با دو دست توسط چوب می‌نوازند. قطر بخش زیر آن ده تا پانزده سانتی متر و قطر قسمت بم آن تا 25 سانتی متر است. نقاره در خراسان‌زمین (افغانستان کنونی) تاریخ طولانی دارد. از نقاره در میدان رزم و بزم استفاده می‌کردند. در عرصه‌گاه جنگ آن را بر کوهان شتر می‌بستند و نقاره‌چیان بر آن می‌کوفتند. در بزم‌ها و مهمانی‌ها بر گردن می‌آویختند و یا بر جایگاهی نهاده و می‌نواختند.

[به بقیه گزیده های مقالات فرهنگی فلسفی .سیاسی رسول پویال کلیک نماید](#)



نقاره

ادامه دارد